

**Received:** 2023/1/5

**Accepted:** 2023/7/19

from 87 to 106

**Maryam Bahmani**

Ph.D. student, Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.  
Aala.Bahmani@gmail.com

**Sousan Alerasoul**

full professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran, (corresponding author).  
s\_alerasoul@kiaau.ac.ir

**Zeinab sadat Mirshamsi**

Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.  
mirshamsi@kiaau.ac.ir

**Keywords:**

emotions, religious acts, education, the Qur'an, religious teachings

## The Reciprocal Relationship between Religious Acts and Emotions and their Effects on People Education by Emphasizing Religious Teachings

### Abstract

Religious teachings emphasize the significance of ethical transformation. The missions of the apostles were also directed towards reforming the conduct and behavior of people. Emotions play a fundamental role in driving changes within an individual's spiritual realm. These emotions operate through people's beliefs, which are rooted in their cognitive processes. Factors such as knowledge (or gnosis), worldview (or perception of the universe), social environment, family, and personal will all influence emotions and are evident in the nurturing process individuals undergo. When this knowledge aligns with an individual's religious beliefs, it facilitates adherence to divine rules and commands. Moreover, when a person acts upon divine directives, God grants them insight to channel their emotions in a more constructive manner. The reciprocal effects of emotions and religious rituals manifest in various components of faith, including piety, asceticism, remorse, repentance, supplication, Jihad, forbearance, prayers, pilgrimage, and inner purity. This article employs diverse interpretations to explore verses that illuminate the emotional aspects of human nature, revealing how educational influences underscore the interplay between emotions and religious practices within the framework of religious teachings. When combined with knowledge and awareness, emotions enhance one's ability to adhere more closely to divine guidelines. The obedience to divine commands and the performance of religious rituals have a transformative effect on emotions, enabling them to be harnessed for positive change. In essence, these reciprocal influences contribute to the effective education and development of individuals.

## رابطه‌ی متقابل عواطف و اعمال عبادی و تأثیر آن‌ها بر تربیت افراد با تکیه بر آموزه‌های دینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۸

از صفحه ۸۷ تا صفحه ۱۰۶

### مریم بهمنی

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Aala.Bahmani@gmail.com

### سوسن آل رسول

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، (نویسنده مسئول).

s\_alerasoul@kiaou.ac.ir

### زینب سادات میرشمسی

استادیار گروه فلسفه اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

mirshamsi@kiaou.ac.ir

### چکیده

آموزه‌های دینی برای تغییرپذیری اخلاق اصالت قائل است. بعثت پیامبران نیز به‌منظور ایجاد تغییرات در رفتار و اعمال افراد بوده است. عواطف عامل اصلی تغییراتی است که در جنبه‌ی روحانی فرد اتفاق می‌افتد. این محرک اعمال بر اثر باورها و اعتقادات افراد عمل می‌کند که مبتنی بر شناخت است. عواملی ازجمله معرفت، جهان‌بینی، محیط اجتماعی، خانواده و اراده بر عواطف اثر می‌گذارد و در روند تربیتی افراد مشهود می‌شود. اگر این شناخت‌ها در مسیر دین‌داری فرد صورت گیرد، موجب عمل به دستورها و احکام الهی می‌گردد؛ همچنین هرگاه انسان به فرمان‌های الهی گردن بنهد، خداوند بینشی به او عطا می‌کند که عواطفش را در مسیر بهتری به کار ببرد. تأثیر متقابل عواطف و اعمال عبادی را می‌توان در مؤلفه‌هایی چون زهد و تقوا، احساس پشیمانی، دعا، جهاد، صبر و نماز، زیارت کردن و تزکیه نفس مشاهده کرد. این مقاله با تمرکز بر تفاسیر مختلف، به بررسی آیاتی می‌پردازد که بیانگر جنبه‌ی عاطفی انسان‌اند. تأثیر تربیتی رابطه‌ی متقابل عواطف و اعمال عبادی را در آموزه‌های دینی بیان می‌کند. عواطف در صورتی که با شناخت و آگاهی شکوفا گردند، باعث بهتر عمل کردن به فرمان‌های الهی می‌شوند. اطاعت از دستوره‌های خداوند و انجام اعمال عبادی هم بر عواطف تأثیر می‌گذارد و موجب شکوفایی آن‌ها می‌گردد. نتیجه این تأثیرات متقابل موجب تربیت صحیح انسان می‌شود.

### واژگان کلیدی:

عاطفه، اعمال عبادی، تربیت، قرآن، آموزه‌های دینی.



دوفصلنامه علمی-پژوهشی

آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۶

تربیت افراد در پیشرفت جامعه نقش مؤثری دارد؛ اما در چگونگی تحقق آن اختلاف نظر هست. اندیشمندان همواره بر تأثیر عواطف در بروز رفتارها و اعمال انسان توجه داشته‌اند (مولینز، ۱۴۰۰، ص ۲۷). از مقایسه‌ی میان اخلاق قرآنی با اخلاق عرب در عصر ظهور اسلام مشاهده می‌شود که «الله» محور دین اسلام است. پس از طلوع اسلام، همه‌ی روابط و عواطف انسانی رایج در جامعه به‌سوی خداوند معطوف شد. ارزشمندی احساسات و عواطف هم تنها در گرو رضایت خدا، باعث رشد و سعادت انسان گردید (نک: توشیهیکو، ۱۳۹۱). در مکتب اسلام، عواطف با محوریت خداوند شکل کاملی می‌گیرند و تأثیرپذیری رفتار انسان از طریق عواطف آن‌قدر مهم است که در بسیاری از آیات قرآن و روایات معصومین<sup>(ع)</sup>، با استفاده از وجوه احساسی و عاطفی افراد، توصیه‌های تربیتی خود را بیان کرده‌اند که خود نشان‌دهنده‌ی تأثیر بی‌نظیر این وجه انسانی در مسائل اخلاقی است. توصیه به رعایت فضایل و رذایل اخلاقی از خلقت آدم در بهشت شروع شد و پس از هبوط ایشان، این توصیه‌ها ادامه پیدا کرد تا در پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به شکل اتم آن ظهور یافت: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به‌راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۸۷)؛ و آیه‌ی «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)؛ و به‌راستی که تو را خوبی والاست»، دلالت بر این مسئله دارد. پس از پیامبر<sup>(ص)</sup>، امامان معصوم<sup>(ع)</sup> نیز با نقل روایات اخلاقی این مهم را به مردم تذکر می‌دادند. امام علی<sup>(ع)</sup> نیز به‌عنوان مؤسس علم اخلاق از نظر شیعه، در نامه‌ی (۳۱) معروفش به امام حسن<sup>(ع)</sup>، پس از بازگشت از جنگ صفین، به‌طور دقیق ریشه‌ی مسائل اخلاقی را تشریح فرمود و فضایل و رذایل اخلاقی را تحلیل کرد (دستی، ۱۳۸۰، ص ۵۱۹). امام سجاد<sup>(ع)</sup> هم در دعای مکارم اخلاق خود (الهی قمشه‌ای و فربودی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴) نیز، فضایل و رذایل اخلاقی را تبیین نموده است. سایر معصومین<sup>(ع)</sup> هم با بیان و رفتار خود، عواطف یاران‌شان را جهت داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۴۲)؛ بنابراین، مهم‌ترین جلوه‌ی ایمان در رفتار انسان‌ها با توجه به ابعاد پرورش‌یافته‌ی عاطفی آنان دیده می‌شود که موجب گرایش اخلاقی افراد به‌سوی اعمال عبادی برای رسیدن به رشد و تربیت صحیح می‌گردد. از سویی، عمل به فرمان‌های الهی کم‌کم بر باورهای انسان تأثیر می‌گذارد و موجب جهت‌دهی عواطف می‌شود. از آنجاکه عاطفه مسئله‌ای نو در علم اخلاق است و تأثیرگذاری آن در رفتار افراد موردتوجه فلاسفه قرار دارد؛ پس لازم است با کاوش در آیات و روایات، این مهم مورد تفقد قرار گیرد تا تأثیرگذاری آن بر تربیت افراد نشان داده شود. انجام اعمال عبادی در بعد روحانی فرد تأثیرگذار است و قاعدتاً تأثیرات خود را بر عواطف می‌گذارد. این مقاله به دنبال آن است که چه مؤلفه‌های دینی‌ای موجب تأثیرگذاری عواطف و اعمال عبادی بر یکدیگر و درنهایت، در تربیت فرد می‌گردند؟ برای این مهم، با روش کتابخانه‌ای به بررسی منابع تفسیری و روایی می‌پردازد و با توجه به آیات و روایاتی که حاوی کارکرد عاطفی است، راهکارهایی در مسیر تربیت صحیح انسان بیان می‌کند؛ بنابراین، ابتدا مفهوم تربیت، عاطفه و سپس نقش تربیتی عواطف و درنهایت، تأثیر متقابل اعمال عبادی و عواطف بر تربیت افراد را با تمرکز بر آموزه‌های دینی تبیین می‌سازد.

در مطالعاتی که درباره‌ی عواطف صورت گرفته، در هیچ موردی به صورت ویژه، به رابطه‌ی متقابل عواطف با اعمال عبادی در مسیر تربیت انسان توجه نشده است؛ اما مقالاتی وجود دارد که از برخی جهات به موضوع عاطفه و تأثیرات آن پرداخته است؛ مثلاً در مقاله‌ی «گزارش و ارزیابی نسبت عاطفه با شناخت از دیدگاه مارتا نوسبام» (میرشمسی و جوادی، ۱۳۹۱)، نوسبام درباره‌ی عاطفه، نظریه‌ی ارزشی-شناختی را بیان می‌کند و اعتقاد دارد که عاطفه از امور ارزشمند فرد است که بر باور وی استوار است و مرجعی مانند «من» دارد و برای فرد قابل حذف و کنترل نیست. او مفهوم عواطف را با احساسات متفاوت می‌داند؛ اما درحالی‌که آن را قابل شناخت برمی‌شمارد، خارج از اختیار انسان می‌داند؛ یعنی فرد اختیاری درباره‌ی عملکرد عواطف خود ندارد. این مسئله از نظر ما قابل تجدیدنظر است؛ اما اینکه در تعریف احساسات با عواطف تفاوت‌هایی وجود دارد، نظریه‌اش قابل دفاع است. مقاله‌ی «تحلیل رابطه‌ی دین و اخلاق از نگاه ابن تیمیه و آدامز» (آرام و جوادی، ۱۳۹۶)، به بررسی دیدگاه ابن تیمیه (از دانشمندان مسلمان) و آدامز (دانشمند مسیحی) می‌پردازد. ابن تیمیه معتقد است، معرفت بدون دین در همه‌ی حوزه‌ها و از جمله ساحت اخلاق مردود و ابر است؛ اما با توجه به آیه‌ی «لَیْسَ كَمِثْلِهِ شَیْءٌ» (شوری: ۱۱)؛ چیزی مانند او نیست، عقل توان فهم کامل حسن و قبح پدیده‌ها را ندارد. آدامز نیز نظریه‌ی معتدل امر الهی را مطرح می‌کند و معتقد است حقیقت اخلاق در عالم فراطبیعت است و شناخت اخلاق بدون وابستگی به دین هم امکان‌پذیر است. در این دو دیدگاه، فاصله‌ی خدا با جهان آن‌قدر فراوان است که بازگرداندن او به جهان محتاج توجیه وجودی، معرفتی و معنایی مضاعف است؛ بنابراین، تربیت از راه دین دشوار به نظر می‌رسد. در مقاله‌ی «وابستگی معناشناسانه‌ی اخلاق به دین» (دانش و جوادی، ۱۳۹۰)، همه یا برخی از مفاهیم اخلاقی، تنها با ارجاع به مفاهیم دینی قابل تعریف است. برخی فیلسوفان همانند آدامز تیلور معتقدند که تنها برخی از مفاهیم اخلاقی از راه اراده‌ی الهی توصیف‌پذیر خواهند بود. برخی دیگر از فلاسفه‌ی اخلاق همه‌ی مفاهیم اخلاقی را با ارجاع به فعل الهی قابل تعریف می‌دانند. تفکر آدامز با بیان تناقضاتی درنهایت، به نفی اوصاف اخلاقی خدا و حتی وجود خدا می‌انجامد. شباهت این مقاله با پژوهش ما، تأثیر دین در اخلاق به‌ویژه تأثیر عواطف در رفتار انسان و درنهایت، در تربیت افراد است. بر اساس پژوهش «بررسی اخلاق از دیدگاه اریک فروم با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی» (شاکری و فغفوری، ۱۳۹۱)، فروم دین را زیرمجموعه‌ی تفریح انسان می‌داند. او خدا را عامل مخرب برای زندگی انسان‌ها معرفی می‌کند و کمال انسان را منحصر به همین دنیا و مرگ را پایان انسان می‌داند. ایشان اصالت عقل را زیر سؤال می‌برد و عواطف را تنها وسیله‌ی معرفت انسان می‌داند. آیت‌الله جوادی آملی دیدگاهی برخلاف فروم دارد و به بُعد روحانی، خدایی و زندگی پس از مرگ معتقد است و کمال بندگی را در کمال شکوفایی عقل عملی و نظری می‌داند که موجب رسیدن به فضیلت و انسان کامل می‌شود. فروم در این مقاله به تقابل دین در رسیدن به تربیت و رشد توجه کرده است که دقیقاً برعکس فرضیه‌ی ماست. در مقاله‌ی «مقایسه‌ی جایگاه احساسات و عواطف در تربیت

اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۷)، نادینگز عاطفه را ملاک اساسی اخلاق قرار داده است؛ اما قرآن به هر سه بعد شناخت، احساس و رفتار انسان توجه کرده است و تربیت احساسات و عواطف اخلاقی را بر مبنای تعقل ارزشمند می‌داند. شباهت این مقاله با مقاله‌ی موجود در این است که عواطف باعث ارتقای اخلاقیات و تربیت صحیح در شخص می‌شود. در مقاله‌ی «نسب‌سنجی اخلاق پولسی و اخلاق ارسطویی» (صادق نیا و امیریزدانی، ۱۳۹۵)، پولس اخلاق را از سه رکن ایمان و امید و عشق می‌داند و ارسطو اخلاق را از انجام عدالت، حکمت، شجاعت و عفت می‌شمارد. هردوی آنان به دنبال مؤلفه‌هایی برای تحقق فعل اخلاقی هستند که منجر به شکوفایی بهتر انسان می‌گردد. ما نیز به دنبال مؤلفه‌هایی برای رسیدن به تربیت صحیح انسان در قرآن و متون دینی هستیم.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱.۱. تربیت

تربیت از ریشه‌ی «ربو» به معنای پرورش فکر و اخلاق، فزونی سرمایه (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۲)، برتری و فراوانی در هر چیزی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۳). در واقع، پرورش دادن و چیزی را از حالتی به حالتی دیگر درآوردن تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹). این امر به‌طور مطلق تنها بر خداوند که متکفل اصلاح موجودات است، اطلاق می‌شود؛ اما درباره‌ی دیگران به شکل استعاره به‌کار می‌رود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۳). تربیت در اسلام، ایجاد شرایطی برای شکوفایی و تعادل استعدادهای انسان است تا مسیر کمال انسانیت را بپیمایند که همان رسیدن به قرب خداوند است. از آنجاکه خلقت انسان دو بعد مادی و روحی دارد و شناخت وجوه او دارای پیچیدگی‌های فراوانی است، تنها خداوند به‌عنوان مربی حقیقی انسان، شایستگی تنظیم برنامه‌های تربیتی او را دارد (امین‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۹-۱۰). آموزه‌های دینی این تربیت را در سایه‌ی تزکیه‌ی نفس معرفی می‌کند؛ زیرا ابتدا باید روح آدمی تصفیه و پاک شود؛ سپس فرآورده‌های دیگر در آن جای گیرد؛ چون ظرف آلوده محتویات خود را آلوده می‌کند؛ بنابراین، در آیاتی (بقره: ۱۲۹؛ آل‌عمران: ۱۶۴؛ بقره: ۱۵۱؛ جمعه: ۲) به اهمیت تزکیه‌ی نفس پیش از تعلیم و کسب علم توصیه شده است؛ زیرا قلب پاک به‌سوی خدا سوق داده می‌شود و صاحب علم می‌گردد (خزعلی، ۱۳۷۴، ص ۹-۱۰). انسان مهذب به مرحله‌ای از شناخت و رشد اخلاقی می‌رسد تا جایی که احساس پاکی درونی می‌کند و سبک‌بالی به وی دست می‌دهد. چنین فردی هیچ‌گاه احساس پشیمانی نخواهد کرد (اکبری، بی‌تا، ص ۱۸)؛ بنابراین، علم اخلاق هم به دنبال آن است تا نفوس (که عواطف در آن شکوفا و ظهور پیدا می‌کنند) انسان‌ها را تزکیه و تهذیب نماید و در نهایت، شخص و جامعه از گناه و بدی پاکیزه گردند. هدف بعثت پیامبران ابتدا تهذیب نفوس انسان‌ها بوده است؛ زیرا انسانی که علم دارد، اگر تزکیه نداشته باشد و به دنبال آن نباشد، چه بسا وجودش برای جامعه و حتی خودش مضر باشد و مانند دزدی است که چراغ در دست دارد (محفوظی، ۱۳۸۸، ص ۳۲). نهایت تربیت دینی در آیه‌ی «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ

وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲) به تصویر کشیده شده است؛ زیرا زندگی و مرگ انسان را برای خدا می‌داند (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۲۲؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۶۰)؛ بنابراین، تربیت نفس (عواطف) باید در مسیر رسیدن به خداوند قرار گیرد تا موجب رشد انسان شود.

## ۲.۱. عاطفه

عاطفه از ریشه‌ی «عطف» به معنای رحمت و شفقت است و نشان‌دهنده‌ی صفتی بارز مانند شهرت شخص در حُسن خلق است. مهر و محبت میان زوجین، محبت مادر به فرزند یا شفقت و محبتی که خداوند در دل افراد نسبت به زبردست خود قرار می‌دهد، هم از این جنس است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص ۲۴۹). در این صفت، میل نسبت به طرف مقابل وجود دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۵۷۲)؛ بنابراین، افراد عاطفی خصوصاتی مانند حُسن خلق، نیکی کردن و نرم‌خویی نسبت به طرف مقابل دارند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ص ۱۷). در قرآن تنها در «ثانی عطفه» (حج: ۹)، حالتی منفی از شخص متکبر را نشان می‌دهد که احساس را به‌سوی اشتباهی می‌کشاند (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۶). قرآن واژه‌ی عاطفه را به‌طور صریح به‌کار نبرده است؛ اما کلماتی را که مفهوم این واژه را دربرداشته باشند، در آیاتی آورده است؛ مانند «ودا» (مریم: ۹۶) به معنای محبت، «ودود» (هود: ۹۰) به معنای بسیار مهربان و «حنان» (مریم: ۱۳) به معنای مهربانی و شفقت؛ بنابراین، در معنای لغوی عاطفه بار مثبت بیشتری وجود دارد که تمایل به دلسوزی، رقت قلب و کمک به دیگری را دارد. از نظر اصطلاحی، برخی عاطفه را حالتی ذهنی می‌دانند که دیدگاه فرد را نسبت به مسائل مختلف نشان می‌دهد، درحالی‌که این مسائل برای او مهم و جزو باورهایش است و با این باورها با روش خاص خود که شامل شخصیت روانی اوست، برای تغییر در جهان تلاش می‌کند. در این حالت، فرد میل به انجام اموری را پیدا می‌کند که برایش حائز اهمیت است که فلاسفه این امیال را به‌عنوان تمایلات شخصی و یا گاهی بخشی از خصوصیات اخلاقی فرد به‌حساب می‌آورند که این خصوصیات اخلاقی گرایش‌هایی نسبت به فضایل و رذایل دارند (مولینز، ۱۴۰۰، ص ۲۷). برخی هم معتقدند، عاطفه حالت‌های نفسانی پایداری در شخص هستند که فرد با تحریک آن، بدون تأمل اقدام به اعمال و رفتاری می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). از این حالات نفسانی به‌عنوان تأثرات نفسانی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۰)، شوق و عشق (ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۱۲۱) و میل به انجام کار (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۵۴-۵۵؛ نیگل، ۱۳۹۹، ص ۱۲۳) نام برده‌اند که از صفات روحی و باطنی انسان است و جلوه‌ی آن‌ها در عملکرد ثابت و دائمی فرد دیده می‌شود (مکارم، ۱۳۷۷، ص ۲۴). با این تعاریف، تأثرات عاطفی خبر از یک واقعیت دارند که برای شخص از امور شناختی محسوب می‌شوند؛ اما برخی معتقدند که گزاره‌های اخلاقی-عاطفی جزو گزاره‌های انشایی هستند که تنها توصیه به انجام کاری می‌کنند؛ درنتیجه، مفید علم نیستند و نمی‌توان به آن‌ها اعتماد و استناد کرد (نیگل، ۱۳۹۹، ص ۸۱۷)؛ اما جایگاه عاطفه را در قرآن باید در آیاتی جستجو کرد که علاوه بر بعد مادی، به آفرینشی دیگر (بعد معنوی) اشاره دارد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ؛ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ؛ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً

فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ...» (مؤمنون: ۱۴-۱۲). این نفس (روح) ابعاد مختلفی همچون فطرت، عقل، اراده، قلب و عواطف دارد که هرکدام از این ابعاد نقش مؤثر و ارزشمندی در استكمال انسان دارند. چون عواطف موجب تحرک و تلاش انسان می‌شوند، جزو نیروهای مؤثر روان انسان محسوب می‌گردند؛ بنابراین، در قرآن از وجود محبت که از لوازمات اطاعت و سعادت است و از مصادیق عاطفه است، سخن به میان می‌آورد: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱)؛ و نیز خداوند پاداش شناخت و معرفت به خودش و پیروی از پیامبرش را ایجاد عاطفه (رأفت و رحمت) در دل‌هایشان قرار داده است: «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (حدید: ۲۷) (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۶)؛ اما شدیدترین محبت را باید انسان نسبت به خدا داشته باشد تا در مسیر بندگی حق قرار گیرد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵) (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۰). همواره وجه عاطفی انسان در تربیت شخصیت فرد، مورد توجه آموزه‌های دینی بوده است؛ بنابراین می‌توان عواطف را حالتی ذهنی دانست که در ایجاد تصورات و تفکرات انسان نسبت به جهان و دیگران تأثیرگذارند و چون با توجه به باورها و اعتقادات او ترسیم شده است، مبنای عمل فرد را نشان می‌دهد و در آن توجه به غیر وجود دارد؛ زیرا معمولاً در مقابل دیگری رفتاری عیان می‌گردد؛ بنابراین، نشان از حقیقتی دارد و در عملکرد تربیتی فرد قابل مشاهده است.

### ۱.۲.۱. عاطفه فراتر از احساس

احساسات و عواطف در عین داشتن اشتراکات معنایی، تفاوت‌هایی هم دارند. گاهی یکسان‌انگاری این دو واژه موجب تعاریف متفاوتی از عاطفه شده است. «باین‌حال، فلاسفه معتقد هستند که احساسات به‌طور کامل بیانگر ماهیت عاطفه نیستند؛ زیرا احساسات پدیده‌های مختلفی مثل احساسات بدنی را هم شامل می‌شود، درحالی‌که این احساسات همان عواطف نیستند. آن‌ها معتقدند، چیزی بیش از احساسات برای تمیز عواطف از این پدیده‌ها مورد نیاز است» (مولینز، ۱۴۰۰، ص ۲۰). از نمونه مصادیق عواطف خشم، اضطراب، خونسردی و بی‌علاقگی، رغبت، عزت‌نفس، خجالت و تعجب را می‌توان نام برد. گستردگی واژگانی که به عواطف تعلق می‌گیرد، بسیار فراوان است تا جایی که در زبان انگلیسی برای انواع هیجانات و پیچیدگی آن‌ها ۲۰۰ کلمه وجود دارد (سانتراک، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۹). با توجه به تنوع و پیچیدگی واژه‌ی عاطفه، تقسیم‌بندی‌های مختلفی در این زمینه بر اساس شدت و ضعف، بیرونی و درونی، ایجابی و سلبی وجود دارد (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳). برخی هیجانات اولیه و ساده مانند شادی، اندوه، ترس و برخی هیجانات پیچیده شامل خجالت، احساس گناه، غرور، حسادت، دست‌پاچی و... هستند (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۷). کارکردهای متفاوت عواطف در رفتار افراد هم موجب تقسیم‌بندی عواطف به دو وجه مثبت و منفی شده است؛ عواطف مثبت مانند محبت، مودت، رحمت، فرح، سرور، حبور، مرح، بطر و رجا و منفی: بغض، غضب، سخط، اسف، غلیظ، حزن، ضیق صدر، بخوح، ندامت، خوف و بخل بیان می‌کند. (زینلی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۶) و همچنین اگر این عواطف منفی بر اثر تنهایی

به وجود آید، در مصادیقی چون افسردگی، اضطراب، ناشاد بودن، نارضایتی، بدبینی درباره‌ی آینده، خودملامت‌گری و خجالتی بودن خود را نشان می‌دهد (کمالی وحدت، ۱۳۹۵، ص ۲۶۳).

## ۲. نقش تربیتی عواطف

انسان به‌وسیله‌ی سه مؤلفه‌ی عقل، علم و عواطف رفتارهای اخلاقی پسندیده و غیرپسندیده از خود بروز می‌دهد (مکارم، ۱۳۷۷، ص ۳۴). عواطف نقش محرک‌های رفتاری و نمود اخلاق در انسان را دارند. مطلب مورد مناقشه درباره‌ی اخلاق، تغییرپذیری یا تغییرناپذیری آن است. در آیات و روایات با علم و آگاهی و تزکیه‌ی نفوس توصیه به پرورش ابعاد روحانی انسان از جمله عواطف شده است؛ بنابراین، رفتار انسان‌ها حاصل تغییر در ابعاد روحانی آنهاست. آیه‌ی «... وَیَزَكِيهِمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (جمعه: ۲)، هم به تزکیه‌ی درونی (عواطف) و هم به تعلیم (نبوغ عقل) اشاره کرده است. در آیه‌ی «ادْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ...» (مؤمنون: ۹۶)، خداوند از انسان می‌خواهد تا با استفاده از عاطفه‌ی خدادادی‌اش و محبت کردن به افراد و حتی با کسانی که مدت‌ها با او دشمن بوده‌اند، تأثیر بگذارد و آنان را دوست خود گرداند؛ پس این عواطف پاک انسانی هستند که حتی در مقابل دشمنان باعث ایجاد تغییر رفتار در خود شخص و مخاطبش می‌شود. در آیات «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها» و «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹-۱۰)، اگر نفس (مصادیق عاطفه) مورد تربیت و تزکیه قرار گیرد، باعث رستگاری انسان می‌گردد و اگر با گناه و معصیت آلوده شود، ناامید و محروم می‌گردد. کلمه‌ی «دَسَّاهَا» از دس و دسیسه، آمیختن شیء ناپسند با چیز دیگری است. از این تعبیر لطیف قرآن می‌توان نتیجه گرفت که اصل طبیعت انسان بر پاکی و تقوا بنا شده است و این آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی از خارج بر انسان نفوذ می‌کنند که هر دو هم قابل تغییر و تبدیل هستند (مکارم، ۱۳۷۷، ص ۳۴)؛ بنابراین انسان می‌تواند بر روی نفس (عواطف) خود تسلط پیدا کند و خود را رستگار گرداند؛ زیرا چنین انسانی به قوه‌ی اعتدال و حکمت رسیده است و خوب و بد را از هم تشخیص می‌دهد (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۱۸-۱۹). از آنجاکه تنها خدا هم آفریننده و هم اخلاق‌آفرین است، صلاحیت پیروی از فرمان‌هایش برای گذر از مواضع و موقعیت‌ها برای ما لازم می‌آید (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷). پیروی از فرمان‌های الهی فرد را به مقام خلیفه‌الهی می‌رساند که دیگر هیچ کمبودی، عواطفش را به‌سوی ناراحتی و غم نمی‌برد (شاکری و فغفوری، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

## ۳. عوامل مؤثر بر عاطفه در رشد تربیتی افراد

عاطفه یکی از وجوه نفس و از صفات دائمی افراد به شمار می‌رود و مبانی شناخت فرد را تشکیل می‌دهد؛ اما به‌طور حتم عواملی چند در بروز این صفت نقش دارند؛ زیرا این عوامل بر باورها و اعتقادات شخص اثر می‌گذارد و موجب بروز رفتارهایی آگاهانه در فرد می‌شود که برخی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۳.۱. شناخت و آگاهی: کسب علم راه‌های روشنی پیش روی انسان قرار می‌دهد. آیه‌ی «وَإِذَا

جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام: ۵۴). تأثیر جهل و نادانی را بر عملکرد بد افراد بررسی می‌کند. اگر این جهالت با شناخت و آگاهی منجر به توبه گردد، رحمت خداوند را به دنبال خواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۱۰۹)؛ بنابراین، هرچقدر شناخت انسان نسبت به مسائل مختلف بیشتر شود، در روابط اجتماعی، اخلاقیات و بالطبع جلوه‌های عاطفی او نیز نمود متفاوتی پیدا می‌کند. امام علی<sup>(ع)</sup> معتقد است که هرچه شناخت انسان بیشتر گردد، عاطفه‌اش غنی‌تر می‌شود: «من شرفت نفسه، كثرت عواطفه؛ هرکس نفسش شرافت و بزرگی داشته باشد، عواطفش هم بیشتر می‌گردد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۴۳). انسان‌ها از راه‌های تجربه و حس، برهان عقلی، دلیل قطعی نقلی، شهود و وحی الهی به معرفت دست پیدا می‌کنند. طی کردن این چهار راه برای همگان میسر نیست؛ اما به‌طور طبیعی یک انسان عادی با استفاده از حس و تجربه به معرفت اولیه می‌رسد؛ سپس با توجه به براهین عقلی و نقلی راه‌هایی از شناخت را طی می‌کند و درنهایت، با ایمان قلبی به وحی، پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی از چهارمین راه شناخت نیز بهره‌مند می‌گردد؛ بنابراین، حس‌گرایی ساده‌ترین راه شناختی است که معرفت کامل به انسان نمی‌دهد و او را از رسیدن به معارف عالی و متافیزیک بی‌بهره می‌گذارد. عواطف عمیق انسانی در مرحله‌ی چهارم به‌کار انسان می‌آیند و باعث معرفت کامل انسان می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۳). تربیت فرد هم در گرو معرفت بهتر محقق می‌گردد.

**۲.۳. جهان‌بینی و مذهب:** دیدگاه فکری (مادی یا الهی) افراد نقش بسزایی در بروز عواطف در شرایط مختلف دارد. افراد دین‌دار معمولاً با توجه به رهنمودهای پروردگار خود عمل می‌کنند. داشتن ایمان و تقوا دو مؤلفه‌ی مهم در این راستاست. وعده‌ی خداوند نیز مؤید این مسئله است. تقوا ثمره‌ی ایمان و معرفت نسبت به خدا، اسما و صفات اوست و موجب نجات انسان و عبور از مسیرهای ناهموار است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...» (طلاق: ۲-۳). چنانچه انسان به این معرفت برسد، هیچ‌گاه تحت تأثیر عواطف منفی خود قرار نمی‌گیرد و آنچه را خدا فرمان داده، انجام می‌دهد و پیرو هوی و هوس خود نمی‌شود و خداوند هم به راه‌هایی روشن هدایتش می‌کند؛ یعنی عواطفش به‌سوی تربیت درستی هدایت می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۲۸). پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نمونه‌ای کامل از یک انسان معتقد و دین‌داری است که توانست با تزکیه‌ی نفس خود، عواطفش را کنترل کند و از احساسات مادی فراتر رود تا جایی که به ذات مجرد جوهری خود دست یابد و در چنین زمانی، مستعد دریافت پیام الهی و ارتباط با ماوراءالطبیعه گردد. آیات ۵ تا ۷ سوره‌ی نجم به این شرایط روحی پیامبر و ارتباط با وحی در حد کمال خود اشاره می‌کنند. هنگامی که پیامبر به چنین کمالی دست یافت، بی‌واسطه پیام الهی را دریافت کرد: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴿۱﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ﴿۲﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ عَبْدُهُ مَا أَوْحَىٰ» (نجم: ۸-۱۰). خداوند متعال با بیان چنین مثال‌هایی، توانایی درونی‌مان را یادآوری می‌کند تا راه هدایت برای همه مشخص شود و افراد بدانند که با تزکیه‌ی نفس و به‌کارگیری عواطف در جهت مثبت، چگونه در مسیر تربیت صحیح قرار می‌گیرند تا به کمال انسانی برسند که ارتباط با حق و حقیقت است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۱).

۳.۳. محیط اجتماعی و دوستان: محیط و دوستان در تفکر و تصمیمات افراد و بروز وجه عاطفی تأثیرگذارند. آیهی «یاوَلِّیْتِی لَیْتِی لِمَ اتَّخِذُ فَلَانًا حَلِیْلًا» (فرقان: ۲۸) از کسی یاد می‌کند که در روز قیامت، از انتخاب دوستان خود در دنیا پشیمان است؛ زیرا آنان باعث گمراهی وی شدند و سرنوشتش را به تباهی کشاندند. آرزو می‌کند ای کاش با چنین فردی اصلاً دوست نمی‌شد؛ چون تربیت و سعادت معنوی وی را تحت تأثیر منفی قرار داده و به‌سوی شقاوت کشانده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۸۱). اغلب افراد بر فطرت خدادادی رشد می‌کنند؛ اما این رفاقت‌ها با افراد فرومایه است که بیشترشان را به ضلالت و گمراهی می‌افکند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۴۵۹).

۳.۴. وراثت و خانواده: شاکله و موجودیت شخص در خانواده شکل می‌گیرد و با تربیت در این مکان رشد و نمو پیدا می‌کند. تفاوت در خانواده‌ها به لحاظ ژنتیکی، فکری، دینی تأثیر مستقیمی بر فرد و در نتیجه، در بروز عواطف او خواهد داشت. امام صادق<sup>(ع)</sup> درباره‌ی شاکله و ساختار وجودی انسان در آیهی «قُلْ كُلٌّ یَعْمَلُ عَلَی سَاکِنَتِهِ فَرَبُّکُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِیْلًا» (اسرا: ۸۴) فرمود که انسان باید با اخلاص و نیت پاکی که بر اساس فطرت آفریده‌شده است، عمل کند و بدین منظور هم مختار است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۳۶). از سوی دیگر، آیهی «وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذَٰلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ یعنی که برای شما و یا برای اینکه به شما نفع برساند، از جنس خودتان زوج آفرید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۴۹). این لطف خداست که همسرانتان مایه‌ی آرامشتان باشند که در جوانی، مهربانی و بخشایش و در پیری موجب رحمت هم باشید (سورآبادی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۸۸). ایجاد محبت میان زوجین از سوی خداوند موجب استحکام خانواده و تربیت صحیح فرزندان می‌گردد. از این آیات می‌توان نتیجه گرفت که انسان، نخست بر اساس ساختاری متفاوت از دیگری خلق شده است که این مسئله در بروز رفتارهایش بی‌تأثیر نیست؛ دوم، عاطفه تنها در روابط اجتماعی که خانواده اولین و کوچک‌ترین آن‌هاست، رشد می‌کند و موجب تربیت متفاوت در افراد می‌شود.

۳.۵. اراده: انسان هرچند با وجود عوامل بالا تحت تأثیر قرار بگیرد و رفتارهای اخلاقی خاصی را از خود بروز می‌دهد؛ اما در نهایت، این اراده‌ی افراد است که تصمیمات مختلف می‌گیرد. آیهی «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهٗ حَیَاةً طَیْبَةً وَلَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) یک حکم کلی را بیان می‌کند که صاحب عمل (مرد یا زن) تنها با داشتن ایمان است که رستگار می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۸۹؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۸۵؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۱۴). این آیه نشان از داشتن اراده در انسان‌هاست؛ بنابراین، مجموعه عوامل بالا می‌توانند در شکل‌گیری و موضع بروز عواطف در شرایط مختلف مؤثر باشند و راهکارهای تربیتی متفاوتی پیش روی افراد بگذارند.

#### ۴. تأثیر متقابل اعمال عبادی و عواطف بر تربیت افراد

انسان‌شناسی از راه حس و تجربه، از کم‌ارزش‌ترین راه‌ها محسوب می‌شود؛ برای اینکه بُعد روحی فرد مورد توجه قرار نمی‌گیرد و زندگی انسان با مرگ به پایان می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۸۶). شکل‌گیری اعتقادات، در بُعد روحانی که عواطف هم جزو آن است، صورت می‌گیرد؛ بنابراین، عواطف می‌توانند اعتقادات را تحت تأثیر قرار دهند و موجب رشد و تربیت فرد شوند. اگر این مسئله از ذره‌بین الهی مشاهده گردد، جزئی از ملکوت می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ص ۲۸). در واقع، وقتی در دین از نبود کراهت و اجبار صحبت می‌گردد، منظور عدم اجبار در اعمال ظاهری است؛ اما در بعد اعتقادی اگراهی وجود ندارد. همان‌طور که از مقدمات ناقص، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و ماحصل جهل علم نمی‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۲۴). پیامبر اکرم (ص) برای دعوت مخالفان و مشرکان به دین اسلام، ابتدا به وسیله‌ی منطق و استدلال عمل می‌کرد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵)؛ سپس وجه عاطفی ایشان را مورد توجه قرار می‌داد: «وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ زیرا پند و اندرز بیشتر جنبه‌ی عاطفی دارد که اگر در شرایط مناسب و به بهترین شکل انجام شود، تأثیرگذارتر خواهد بود. پند و اندرز که خالی از خشونت، برتری‌جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجاجت فرد باشد و اگر این توصیه‌ها (الْحَسَنَةِ) به نیکویی گفته شوند، اثر عمیقی از خود برجای می‌گذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۴۵۶-۴۵۵). عواطف انسان وقتی از مرحله‌ی اعتقادات عبور کردند، در رفتار اجتماعی بروز می‌یابد و سپس در اعمال عبادی فرد در نهایت بندگی جلوه‌گر می‌گردد و در اینجا است که فرد به صورت عملی آماده‌ی حرکت به سوی حق می‌شود. قرآن در آیات «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ» (قلم: ۴۳) و «خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ» (طه: ۱۰۸)، حالات خشوع و خضوع انسان را در برابر مقام پروردگار بیان می‌کند. البته خشوع غالباً در صدا و چشم محقق می‌گردد و خضوع در بدن و اعضای آن (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۷۷)؛ بنابراین، وقتی آگاهی به حد قابل‌قبولی رسید، عواطف به سوی درست و انجام عمل و تربیت صحیح رهنمون می‌شوند. اعمال عبادی جلوه‌های مختلفی دارند. در واقع، هر آنچه انسان را به خدا نزدیک می‌کند، جزو اعمال عبادی است که به برخی از آن‌ها در ذیل اشاره می‌گردد.

#### ۴.۱. زهد و تقوا

زهد و تقوا بهترین مؤلفه‌ی تنظیم‌کننده‌ی عواطف و احساسات در برابر امیال و غرایزند که زمینه‌ی انجام اعمال دینی را فراهم می‌کنند. زهد به معنای بی‌رغبتی به دنیا یا در حد ضرورت به دنبال دنیا بودن است. انسان زاهد نسبت به عواطفش مراقب است و آن‌ها را کنترل می‌کند تا خوشحالی و ناراحتی خود را در امور دنیای زودگذر هدر ندهد. امیرالمؤمنین (ع) زهد را در آیه‌ی «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» (حدید: ۲۳) این‌چنین معنا می‌کند، کسی که بر گذشته‌اش افسوس نخورد و آنچه به دستش می‌رسد، باعث شادمانی او نشود؛ یعنی دارایی و بی‌چیزی در خلق و خوی او تفاوتی ایجاد نکند (شبر، ۱۳۷۴، ص ۴۰۰). تقوا هم نتیجه‌ی معرفت و شناخت به خداست که حاصل آن، رسیدن به راه نجات است: «...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»

(طلاق: ۲). چنین فردی عواطفش را در مسیر رضایت خدا قرار می‌دهد و از هوی و هوس خود پیروی نمی‌کند. خدا هم در مقابل داشتن تقوا، او را از مشکلات نجات می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۲۸). در چنین حالتی انسان فراتر از جهان مادی می‌اندیشد و خواسته‌هایش متعالی می‌گردد و به‌سوی کمال حقیقی متمایل می‌شود و نسبت به اعمال عبادی رغبت پیدا می‌کند و در مسیر درست تربیتی قرار می‌گیرد. این اعمال عبادی گاهی در قالب محبت و عمل، احساس پشیمانی، دعا، نماز و صبر، زیارت، جهاد و تزکیه‌ی نفس جلوه‌گر می‌گردند. عواطف هم در مسیر تحقق این مؤلفه‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

#### ۲.۴. محبت و عمل

انسان زاهد و باتقوا علاوه بر داشتن محبت در قلبش نسبت به خدا، باید در عمل هم بندگی را نشان بدهد: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱). عواطف (محبت) چنانچه به ورطه‌ی عمل در نیایند، درواقع خودفربیی است؛ بنابراین، ادعای دوستی خدا در انجام اعمال نیک، ترک گناهان و پیروی از پیامبر اکرم (ص) است؛ زیرا عقل انسان‌ها درباره‌ی دین به انحراف می‌رود، عقل با هوای نفس می‌آمیزد و علم با شهوت خدشه‌دار می‌گردد؛ پس پیروی از پیامبر راه رسیدن به رشد و اثبات دوستی به خداوند است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۱۵). هنگامی‌که شارع درباره‌ی طهارت لباس و بدن مطلبی را می‌گوید، ابتدا طهارت خارجی مدنظر است؛ اما طهارت اصلی و باطنی آن متعلق به قلب و تأثیرگذاری در آن است؛ یعنی پاک شدن از اخلاق بد همچون کفر، حسد، نفاق، بخل، اسراف و مانند این‌هاست. درواقع، طهارت ظاهر باعث اشراق نور در قلب انسان می‌شود، ضمیر او را پاک و روشن می‌کند تا بتواند خوب و بد را از هم تشخیص بدهد و همه‌ی اعمال و عواطف خود را در مسیر درست به‌کار ببرد. چون قلب انسان تعلق به عالم ملکوت دارد؛ اما بدنش در عالم دنیاست. راز اینکه انسان باید نماز بخواند و اعمال نیک انجام دهد، این است که با انجام دستورهای دین به کمال خود می‌رسد؛ زیرا اعمال نیک در قلب تأثیر می‌گذارد و قلب نیز برعکس، بر عملکرد انسان تأثیرگذار است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۴)؛ پس همراهی عمل و محبت می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهمی باشد که با تحریک عواطف، انسان را در مسیر رشد و تربیت قرار دهد.

#### ۳.۴. احساس پشیمانی

انسانی که نور ایمان به درونش تابید، صاحب علمی می‌شود که از انجام برخی امور خلاف شرع و اخلاق، احساس پشیمانی می‌کند. این حس و عاطفه انسان که بر اثر علم و آگاهی ایجاد شده است، او را به‌سوی پروردگارش برمی‌گرداند و راه توبه را می‌گشاید. پیامبر پشیمانی را همان توبه می‌داند؛ زیرا بر اثر آگاهی ایجاد می‌گردد و باعث رسیدن به ثمره‌ای می‌شود. در آیه‌ی «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيَّةَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱)، خداوند از انسان‌ها می‌خواهد که از کردارهای ناشایست خود توبه کنند و به‌سوی خداوند بروند تا رستگار گردند. در آیه‌ی «یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...» (تحریم: ۸)، علاوه بر اینکه خداوند انسان‌ها را ترغیب به توبه می‌کند، مزدهی محو گناهان را هم می‌دهد (دیلمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۴۱). امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: کسی که توبه کند، مانند این است که گناه نکرده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۳۵). در واقع، هرگاه انسانی گناه خود را بزرگ بشمارد، این گناه در نزد خدا کوچک شمرده می‌شود و برعکس اگر کسی گناه خود را کوچک بشمارد، خدا آن را بزرگ می‌داند؛ زیرا انسانی که گناه خود را برای خود بزرگ می‌شمارد، نسبت به آن پیدا نفرت می‌کند، از تکرار آن حذر می‌نماید؛ اما کوچک دانستن گناه نشانه‌ی انس با آن گناه است و آثار شدیدی بر قلب می‌گذارد و آن را تیره می‌کند (شبر، ۱۳۷۴، ص ۳۴۶). انسان با آگاهی عواطفش را جهت می‌دهد و با توبه موجب خشنودی خدا می‌شود و خدا هم او را در مسیر تربیت صحیح قرار می‌دهد.

#### ۴.۴. دعا

انسان با دعا کردن در حالتی قرار می‌گیرد که نسبت به دنیا بی‌اعتنا می‌گردد و وارد عالم دیگری می‌شود که نام و نشانی ندارد. در آن لحظه، نفس انسان از همه چیز بریده و به عالم ملکوت متصل می‌شود و چنین فردی هیچ‌وقت از عالم قدسی دست‌خالی بر نمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۴). اصولاً نیایش جایگاهی عمیق در قلب و عواطف انسان دارد. خداوند در برخی آیات قرآن از باب عواطف، آموزه‌هایی را به انسان متذکر شده است؛ مثلاً در آیه‌ی «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران: ۸)، خداوند به انسان آموزش می‌دهد که در همه‌ی احوال مراقب باشد تا قلب و عواطف انسانی‌اش تغییر پیدا نکند و برای داشتن قلبی سلیم متوسل به لطف پروردگار باشد. با توجه به روایات، اولوالألباب همان اهل بیت نبوت هستند که با واسطه‌ی پیامبر<sup>(ص)</sup>، علم خود را از جبرئیل و لوح محفوظ که نزد خداوند است، دارند (کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۸۲)؛ یعنی کسانی که با علم و یقین به پروردگار خود ایمان دارند؛ اما باز نگرانی در وجودشان هست که در مسیر سیر و سلوک صراط مستقیم دچار لغزش نشوند، درخواست رحمتی از پروردگار دارند تا این تداوم و علم در دل‌هایشان باقی بماند؛ چون ممکن است قلب‌هایشان منحرف نشود؛ اما خداوند علم را از قلب‌هایشان بردارد که در این صورت حق و باطل را تشخیص ندهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶) یا ممکن است به میل خود عمل کنند و از آیات متشابه تأویل نادرستی داشته باشند؛ پس ایشان همواره طالب توفیق الهی در همه احوال هستند تا به‌وسیله‌ی علمی که خداوند در قلب‌هایشان به آنان عنایت کرده است، دچار لغزش نشوند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۹). راسخان در علم از خداوند طلب رحمت می‌کنند؛ اما نوع آن را به خداوند واگذار می‌کنند؛ چون یقین دارند خداوند مصلحتی سودمند برای آنان در نظر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶). رحمتی که از خداوند می‌رسد، گوناگون است که مهم‌ترین آن معرفتی است که خداوند به انسان از طرق مختلف مانند وحی قرآنی یا الهامات می‌دهد. خداوند به مؤمنان راسخ در علم، دعا کردن و دعا خواستن را می‌آموزد؛ زیرا

در دعا کردن، معرفت انسانی رشد می‌کند و عواطفشان تلطیف می‌یابد و همواره با تکرار دعا خواستار رحمت (معرفت) خداوند می‌شوند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۸۲). انسان‌ها با تأسی به اولوالباب و با آموزش چنین دعا‌هایی، خود را به خدا متصل می‌کنند و نسبت به رحمت خداوند ترغیب می‌شوند و در مسیر رشد و تربیت قرار می‌گیرند.

#### ۵.۴. جهاد

یکی از راه‌های تربیتی در قرآن جهاد (اکبر و اصغر) است. جهاد اکبر عبور از مسیر سخت مبارزه با نفس است. چنانچه انسان تا آخرین لحظه‌ی عمرش تسلیم و سوسه‌ها، شبهات، القانات و تلقینات دشمن درونی و بیرونی نشود و پایداری کند، اگر در چنین حالی بمیرد، همانند مؤمن شهید در جهاد اکبر است. در روایاتی آمده است، اگر مؤمنی در بستر خواب یا بیماری بمیرد و محب اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> باشد، چنین مؤمنی شهید در جهاد اکبر محسوب می‌گردد (فخر رازی، ۱۳۷۹، ج ۲۷، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۵۸۴۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۹۶-۱۰۰)؛ بنابراین، محبت به اهل‌بیت پیامبر<sup>(ص)</sup> در انتهای جهاد اکبر قرار دارد؛ یعنی اگر انسان در چنین موضعی زندگی کند و اعمالش بر اساس فرمان‌های این بزرگواران باشد، سرانجام نیکی در انتظارش است و اجر شهید را خواهد داشت و این خود قرار گرفتن در مسیر تربیت و رشد است؛ اما جهاد اصغر مبارزه با کفار و منافقان است. خداوند متعال پیامبر<sup>(ص)</sup> را «رحمه للعالمین» معرفی کرده است؛ اما این نرمی و سستی در مقابل کفار باید برعکس عمل شود تا جامعه‌ای نمونه به وجود آید. در واقع، سخت‌گیری و جهاد با کافران و منافقان راهی برای رسیدن به کمال انسانیت است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبئس المصير» (تحریم: ۹) (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص ۱۲۳)؛ بنابراین، عمل به هردو جهاد که از اعمال عبادی هستند، باعث تحریک‌پذیری عواطف انسان می‌گردد و او را در مسیر رشد و تعالی قرار می‌دهد.

#### ۶.۴. صبر و نماز

انسان‌ها معمولاً از وقوع حوادثی احساس خوشایند یا ناخوشایندی دارند که در دین از این حوادث به‌عنوان قضا نام‌برده می‌شود. اگر فردی به لحاظ اعتقادی رشد کافی کرده باشد، در مقابل این امور رفتار مناسبی از خود بروز می‌دهد و عواطفش در مسیر صحیحی قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی رضایتمندی از قضا و قدر الهی، صبر در مقابل محنت‌ها و شکر در مقابل نعمت‌هاست. در ضمن تصور اینکه قضای الهی همیشه بر خیر استوار است، می‌تواند در جهت‌دهی عواطف مثبت فرد نسبت به رویدادها و بلاها مؤثر باشد و دیگر سختی‌های زندگی را ناعادلانه، بی‌دلیل، رنج‌بی‌حاصل، مزاحم و اهانت‌آمیز ارزیابی نکند. انسان بر اساس فرض بر خیر بودن این بلاها، نه تنها احساسات و عواطفش منفی نمی‌گردد، بلکه احساس رضایتمندی از شرایط در او به وجود می‌آید (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹-۱۰۸). بر اساس آیه‌ی «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره: ۴۵)، اگر انسان بخواهد در خداوند فنا گردد، چاره‌ای جز صبوری در مقابل

هواهای نفسانی، جاه، مال، پست و مقام ندارد. باقی ماندن با خداوند از طریق اقامه‌ی نماز و مناجات که این عمل جز برای افراد خاشع که قلبشان منکسر و خاشع از نور حق می‌شود، بسیار دشوار است؛ چون انسان به دنبال راحت‌طلبی، خواهش‌های نفس و دنیای زودگذر است و تحمل سختی را برای آخرتی که به نظرش دور است، ندارد. خداوند از انسان می‌خواهد که از صبر و نماز کمک بگیرد و طالب سعادت حقیقی گردد و با قطع طلب از خلق و بی‌تفاوتی به دنیا خود را ارتقا بخشد؛ زیرا سِری در نیایش با خداوند که همان روح نماز است، وجود دارد. انسان با مناجات‌های طولانی، اتصال به حق و انقطاع از دنیا، قلبش صاف، فکرش باز و نور حکمت در دلش هویدا می‌شود که این حالت‌ها نه با تحصیل بلکه با تلاش و کوشش در این راه به دست می‌آید (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۰). انسان با نماز خواندن حالت تواضع و تذلل در مقابل عظمت آفریدگار پیدا می‌کند و با ذکر گفتن، عواطفش تلطیف می‌گردد و قلبش حالت عرفانی می‌گیرد و از مشکلات و مصائب دنیا آرام می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۷۸). البته شخصی که دائم به یاد خداست، در موقع نماز نیز به راحتی حضور قلب پیدا می‌کند. این ذکر کثیر او را به خداوند علاقه‌مند می‌سازد و چنین علاقه‌ای او را به سرمنزل مقصود می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۳۵) و مورد تربیت صحیح قرار می‌گیرد.

#### ۷.۴. زیارت کردن

زیارت کردن اولیای الهی از بُعد عاطفی انسان صورت می‌گیرد که فرد را به افراد صالح و برگزیده نزدیک می‌گرداند. این علاقه باعث نزدیکی انسان به بزرگان و معصومان<sup>(ع)</sup> می‌شود. در زیارات، انسان از خداوند می‌خواهد تا محبت اولیای خود را در دلش قرار دهد و پس از آن، بنا به مقامی که نزد خداوند دارند، طلب شفاعت و درخواست‌های خود را می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷؛ صدوق، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷). بدین‌وسیله با اعمال ظاهری، اما با توسل و ارتباط قلبی (عاطفی) به افراد پاک و موردتوجه خدا قلبش رقیق و عواطفش تلطیف می‌گردد و به پروردگار خود نزدیک می‌شود. این نزدیکی به خدا به انسان قدرت تشخیص می‌دهد تا در مسیر تربیت درست قرار گیرد.

#### ۸.۴. تزکیه‌ی نفس

عاطفه یکی از ابعاد نفس است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۳، ق، ص ۵۹). از سوئی، شناخت نفس کلید شناخت خداوند است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَهُ رَبَّهُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۸۸)؛ هر اندازه انسان نسبت به نفس خویش آگاهی یابد، گویی نسبت به خداوند معرفت پیدا کرده است (شیر، ۱۳۸۷، ص ۴۰۷)؛ بنابراین، باید مراحل را برای این معرفت طی کند. درک ماهیت عالم ظاهر اولین گام آن است. در مرحله‌ی بعد، چنان به لحاظ عاطفی مقام خداوند را درک می‌کند که گویی کمال حقیقی را؛ پس در گام بعدی به جهان طبیعی با دیدی متفاوت می‌نگرد و حقیقت بسیاری از مسائل پیرامون را ادراک می‌کند و از مرحله‌ی حیوانی به مرحله‌ی فرشتگان

درمی‌آید؛ بنابراین، همه‌چیز را از دید الهی می‌بیند و با پشت سر نهادن مراحل کمال‌ورزی (کمال و تربیت)، دیگر حقایق را با چشم دل می‌نگرد و به ثبات شخصیتی و کمال می‌رسد. پس از این مراحل، به حکمت عرشیه می‌رسد که دیگر عقل انسان‌ها نمی‌تواند آن را تحمل کند و تنها با راهنمایی پیامبران می‌توان به آن رسید. ملاصدرا به مدت پانزده سال تزکیه نفس نمود و این مراحل را طی کرد که نتیجه‌ی آن انوار الهی در قلب، شهود و الهاماتی به ایشان بود (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ص ۲۸۸)؛ بنابراین، افرادی به غیر از پیامبران و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> هم هستند که با عمل به فرمان‌های الهی موجب تزکیه‌ی نفس و شکوفایی عواطف خود می‌گردند و به مرحله‌ی از شهود و دریافت حقیقت در همین جهان نائل می‌آیند. آنان به‌عنوان نمونه‌ی عملی برای دیگران هستند که در همین دنیا به مقاماتی رسیدند و موجب رشد و تعالی خود شدند.

### نتیجه‌گیری

آموزه‌های دینی برای تحقق تغییر در افراد آمده‌اند و برای رسیدن به این مهم، راهکارهای تربیتی بسیاری در آیات و روایات آورده‌اند؛ زیرا معتقدند اخلاق تغییرپذیر است. این تغییر و تربیت هم در جنبه‌ی روحانی و هم جسمانی فرد محقق می‌گردد. تغییر در هر جنبه‌ی فرد به عواملی بستگی دارد. جنبه‌ی روحانی فرد تحت تأثیر عواطفش قرار می‌گیرد و منجر به رفتارها و اعمال ظاهری می‌شود. انسان‌ها برای اینکه بتوانند راه صحیح زندگی خود را بیابند و رفتارهای تربیت‌یافته‌ای داشته باشند، باید عواطف خود را به شکل صحیح شکوفا کنند تا این محرکه‌ی رفتار در مسیر درست انسان را راهنمایی نماید. مؤلفه‌هایی در این مسیر تأثیرگذارند؛ اول اینکه انسان باید سطح شناخت خود را در زمینه‌های مختلف بالا ببرد؛ اما جهان‌بینی و مذهب فرد بر این معرفت‌ها تأثیرگذار است. افراد الهی و غیرالهی دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به دنیا، آخرت و مسائل آن‌ها دارند و این اختلاف فکری طبعاً بر عواطف و عملکردشان تأثیر می‌گذارد. انسان با انتخاب دوستان و محیط پیرامون خود به‌نوعی به شناختش جهت می‌دهد. جنبه‌ی ارثی بودن خلق و خو، خلقت منحصر به فرد و تربیتی که در هر خانواده حکم فرماست، قطعاً احساسات و عواطف افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درنهایت، هرکسی توان این را دارد که بر اساس اراده‌اش عمل کند؛ بنابراین، این موارد دستاویزی برای انجام عمل اشتباه به‌طور حتمی نیست. اگر شخصی عواطفش را تحت دستورها دینی آموزش و تلطیف دهد، برای انجام اعمال عبادی رغبت پیدا می‌کند و با انجام اعمال عبادی رشد شخصیتی- تربیتی می‌یابد. از سویی، اطاعت انسان دین‌دار از فرمان‌های الهی و عمل به اوامر الهی موجب تحریک عواطفش می‌گردد و به شهوداتی دست پیدا می‌کند که مقدمه‌ی تربیت صحیح می‌شود. زهد و تقوا مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند عواطف و احساسات فرد را کنترل کنند. انسان با داشتن چنین فضیلتی، اعمال عبادی را به اشکال مختلف انجام می‌دهد. داشتن محبت توأم با عمل نیک، احساس پشیمانی، دعا، جهاد، صبر و نماز، زیارت کردن و تزکیه‌ی نفس به انسان کمک می‌کند تا باورهای خود را مستحکم نماید و با نیروی عاطفه اهدافش را در مسیر معینی قرار دهد؛ بنابراین، از یک سو، شکوفایی عواطف انسان را در

مسیر حق و حقیقت قرار می‌دهد و از سوی دیگر، پیروی از دستوره‌های الهی، روح فرد را تلطیف می‌کند و عواطف وی را در مسیر درستی قرار می‌دهد که همین رابطه‌ی متقابل موجب رشد و تربیت صحیح در انسان می‌گردد.

## منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند؛ دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- نهج البلاغه؛ گردآورنده سید رضی؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: سرزمین سبز، ۱۳۸۰ ش.
- صحیفه سجادیه؛ ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای و محمدنبی فربودی؛ قم: اندیشه صادق، ۱۳۹۲ ش.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و دررالکلم؛ مصحح: سید مهدی رجایی؛ قم: دارالکتب اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- آرام، علیرضا و جوادی، محسن؛ تحلیل رابطه‌ی دین و اخلاق از نگاه ابن تیمیه و آدامز؛ فلسفه و کلام اسلامی، دوره‌ی ۵۰، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۶ ش.
- امین‌زاده، محمدرضا؛ فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: موسسه در راه حق، ۱۳۷۶ ش.
- مولینز، آر تی؛ خدا و عواطف؛ ترجمه‌ی زینب‌سادات میرشمسی؛ تهران: آن سو، ۱۴۰۰ ش.
- اکبری، محمود؛ مهارت‌های آموزش اخلاق؛ قم: فتیان، بی‌تا.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- بستانی، فؤاد افرام؛ فرهنگ ابجدی؛ ترجمه‌ی رضا مهیار؛ چاپ دوم، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- پسندیده، عباس؛ الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا؛ چاپ سوم، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۵ ش.
- توشیهیکو، ایزوتسو؛ خدا و انسان در قرآن؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱ ش.
- ثقفی‌تهرانی، محمد؛ تفسیر روان جاوید؛ چاپ سوم، تهران: برهان، ۱۳۹۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ مراحل اخلاق در قرآن؛ تحقیق: علی اسلامی؛ چاپ هفتم، قم: اسراء، ۱۳۸۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ مبادی اخلاق در قرآن؛ تحقیق: حسین شفیعی؛ چاپ ششم، قم: اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- \_\_\_\_\_؛ تفسیر تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۹۰ ش.
- \_\_\_\_\_؛ صورت و سیرت انسان در قرآن تفسیر موضوعی قرآن؛ چاپ یازدهم، قم: اسراء، ۱۳۹۷ ش.
- جعفری، یعقوب؛ تفسیر کوثر؛ قم: هجرت، ۱۳۷۶ ش.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین؛ انوار درخشان؛ تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- حسینی محمد آباد، سید علی اصغر / رستمی، محمد حسن / غفاری، ابوالفضل؛ «مقایسه‌ی جایگاه احساسات و عواطف در تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره‌ی ۴، ۱۳۹۷ ش.
- خزعلی، ابوالقاسم؛ تربیت از دیدگاه قرآن؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۴ ش.
- دیلمی، حسن؛ ارشاد القلوب؛ ترجمه‌ی سید هدایت‌الله مسترحمی؛ چاپ سوم، تهران: مصطفوی، ۱۳۴۹ ش.
- دانش، جواد و جوادی، محسن؛ «وابستگی معناشناسانه اخلاق به دین»؛ پژوهش‌های اخلاقی، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۰ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن؛ ترجمه‌ی غلامرضا خسروی؛ چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.

- زینلی، فاطمه / شهریاری نیسیانی، شهناز/ محمد، نجفی/ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت عاطفه از دیدگاه علامه طباطبایی<sup>(۵)</sup>»؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۵، ۱۳۹۶ ش.
- سورآبادی، عتیق‌بن‌محمد؛ تفسیر سورآبادی؛ تهران: نور، ۱۳۸۱ ش.
- سانتراک، جان؛ زمینه روانشناسی؛ ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت؛ تهران: رسا، ۱۳۸۸ ش.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین؛ تفسیر اثنی عشری؛ تهران: میقات، ۱۳۶۳ ش.
- شاکری، روح‌الله وفغفوری، مژگان؛ «بررسی اخلاق از دیدگاه اریک فروم با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی»؛ اسراء، سال ۴، شماره ۳، ۱۳۹۱ ش.
- شبر، عبدالله؛ الاخلاق؛ ترجمه‌ی محمدرضا جباران؛ قم: هجرت، ۱۳۸۷ ش.
- صدوق، محمدبن‌علی؛ ثواب الاعمال؛ ترجمه‌ی صادق حسن‌زاده، تهران: ارمغان طوبی، ۱۳۸۲ ش.
- صادق‌نیا، مهرباب و امیریزدانی، حمیده؛ «نسب‌سنجی اخلاق پولسی و اخلاق ارسطویی»؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معرفت ادیان، شماره ۴، ۱۳۹۵ ش.
- الطبری، الفضل‌بن‌الحسن؛ مجمع البیان؛ ترجمه‌ی حاج شیخ محمد رازی؛ تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طیب، سید عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- فخر رازی، محمدبن‌عمر، تفسیرکبیر مفاتیح الغیب، مترجم علی اصغر حلبی، چاپ پنجم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۹
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ کتاب العین؛ تحقیق: مهدی مخزومی؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- فیض کاشانی، محسن؛ اخلاق حسنه؛ ترجمه‌ی محمدباقر ساعدی؛ تهران: پیام عدالت، ۱۳۸۷ ش.
- فیض کاشانی، محسن؛ الحقائق؛ تحقیق: محسن عقیل؛ قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۳ ق.
- قرطبی، محمدبن‌احمد؛ الجامع الاحکام القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
- قرشی، سید علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- کاشانی، ملا فتح‌الله؛ خلاصه المنهج؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای؛ چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
- کمالی وحدت، یاسین؛ عشق و دلبستگی از منظر عرفان اخلاق و تربیت اسلامی؛ قم: معارف، ۱۳۹۵ ش.
- لیثی واسطی، علی‌بن‌محمد؛ عیون الحکم و الواعظ؛ تحقیق: حسین حسینی بیرجندی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ فلسفه اخلاق؛ چاپ سوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>(۵)</sup>، ۱۳۹۴ ش.
- ملاصدرا، محمدبن‌ابراهیم؛ عرفان و عارف‌نمایان؛ ترجمه‌ی محسن بیدارفر؛ تهران: الزهرا، ۱۳۷۱ ش.
- \_\_\_\_\_؛ المظاهر الالهیه فی اسرارالعلوم الکمالیه؛ ترجمه‌ی سید حمید طیبیان؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.

- \_\_\_\_\_؛ تفسیر قرآن کریم؛ چاپ دوم، قم: بیدار، ۱۳۶۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ سه رسائل فلسفی؛ چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- \_\_\_\_\_؛ اخلاق در قرآن؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۷ ش.
- مدرسی، محمدتقی؛ تفسیرهدایت؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
- محمدی، مسلم؛ مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸ ش.
- مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- نیگل، تامس؛ دانشنامه فلسفه اخلاق؛ ترجمه‌ی انشاءالله رحمتی؛ چاپ سوم، تهران: سوفیا، ۱۳۹۹ ش.
- محفوظی، عباس؛ اخلاق اسلامی؛ قم: مشهور، ۱۳۸۸ ش.
- محسنی، نیک‌چهر؛ نظریه‌ها در روانشناسی رشد، شناخت، شناخت اجتماعی، شناخت و عواطف؛ تهران: پردیس، ۱۳۸۳ ش.
- میرشمسی، زین‌سادات و جوادی، محسن؛ «گزارش و ارزیابی نسبت عاطفه با شناخت از دیدگاه مارتا نوسبام»؛ فلسفه و کلام اسلامی، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۱ ش.
- نوری، حسین (محدث نوری)؛ مستدرک الوسائل؛ بیروت: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
- یزدانی، نجف/ سعیدی مهر، محمد/ ذهبی سید عباس؛ «رابطه‌ی عواطف و معرفت از منظر ملاصدرا»؛ جستارهای فلسفی، شماره‌ی ۲۳، ۱۳۹۲ ش.